

اندیشه اسلامی ۲

مدرس : استادعلیرضاکریمی

بخش دوم

وحی و پیامبری

1- تعریف و ضرورت نبوت

(الف) معنا و مفهوم پیامبر

(ب) معنا و مفهوم وحی

1-ب) معنای لغوی وحی

2-ب) وحی در قرآن

(ج) ضرورت وحی و پیامبری

1-ج) صفات خداوند

2-ج) جاودانگی انسان

3-ج) حدود عقل بشری

4-ج) شبهه منکران



1- تعریف و ضرورت نبوت

تقسیم بندی مباحث نبوت: 1- عامه 2- خاصه

نبوت عامه: مجموعه مباحثی که پیامبر معینی اختصاص ندارد و درباره امور مشترک پیامبران بحث می کند.

نبوت خاصه: به مباحثی اطلاق می شود که درباره نبوت یکی از پیامبران مانند حضرت محمد بحث و گفتگو می کند.

دغدغه اصلی این فصل نبوت عامه است.



عناصر محوری نبوت

آورنده وحی که همان
پیامبر است

قانون که همان وحی است

الف) معنا و مفهوم پیامبر

تعریف:

بشری است که برای هدایت انسانها برانگیخته پیامبر شده تا معارفی را بدون واسطه انسانی دیگر از مبدا الهی دریافت و ابلاغ کند.

در تعریف قبل چند **قید** وجود دارد :

- 1- پیامبر بشر است
- 2- پیامبران برای هدایت انسانها آمده اند.
- 3- پیامبران برانگیخته شده از سوی خدا هستند
- 4- میراث پیامبران مجموعه معارف نظری و عملی خاصی است که بینشی نو و روشی دیگر در زندگی انسانها ایجاد کرده است.
- 5- یکی از وظایف مهم پیامبران دریافت پیام الهی است.

(ب) معنا و مفهوم وحی

دریافت پیام الهی که از به عنوان وحی تعبیر می گردد یکی از وظایف اساسی پیامبران است.

حقیقت وحی دست یافتنی نیست زیرا پدیده وحی یک پدیده طبیعی قابل شناخت با ابزار متعارف عمومی و علمی نیست.





1- (ب) معنای لغوی وحی

واژه وحی و مشتقات آن در لغت دارای معانی مختلف و ، سرعت، تفهیم و القای پنهانی کاربردهای گوناگون آن: نظیر: اشاره مطلبی به دیگران، اعلام در خفا، نوشتن

تعریف لغت شناسان: جامع تمام معانی و کاربردهای ویژه وحی **((تفهیم و القای سریع و نهانی))** است که متوجه خاص مخاطب بوده و بر دیگران پوشیده است.

2-ب) وحی در قرآن

معانی وحی در قرآن:

1- اشاره پنهانی

2- هدایت غریزی

3- الهام

4- وحی تشریعی



طبق آیات قرآن راههای ارتباط پیامبران با خدا
منحصر **(وحی نبوی و ارسالی)** به سه راه بوده است:

1- وحی مستقیم

2- ایجاد صورت از پشت حجاب

3- القای وحی به وسیله فرشته



تعریف وحی در مباحث اعتقادی و کلامی:

عبارت است از تفهیم یک سلسله حقایق و معارف از سوی خداوند به انسانهای برگزیده برای هدایت مردم، از راه دیگری غیر از راههای عمومی و شناخته شده معرفت همچون حس، تجربه و عقل و حدس و شهود عرفانی.

نظریه شیخ مفید:

... حقایقی که در رویا به انسانها القا میشود و همچنین علمی که پس از پیامبر اکرم(ص) به امامان معصوم ارائه و القا شده است، نام وحی بر اینها اطلاق نمی گردد، زیرا مسلمانان اتفاق نظر دارند که پس از پیامبر(ص) بر کسی وحی نخواهد شد.



نظریه علامه طباطبایی:

ادب دینی در اسلام اقتضا می کند که وحی بر غیر از رابطه ای که میان خداوند و فرستادگان او وجود دارد، اطلاق نگردد.
وحی آموزه ویژه ای است که از ناحیه خداوند سبحان به برخی از انسانهای برگزیده اضافه می شود....

تفاوت وحی با نبوغ :

وحی آموزه ویژه ای است که از ناحیه خداوند سبحان به برخی انسانهای برگزیده اضافه می شود ولی نبوغ، قدرت شدید ذهنی است که برخی افراد را بدون نیاز به طی مراحل علمی لازم و معمول، به درک حقایق توفیق می دهد.

تفاوت وحی با کشف و شهود:

انسان اگر مدتی نفس را ریاضت دهد، حقایقی در عمق جان خود می یابد ولی این حقایق را از کسی دریافت نمی کند، بر خلاف وحی، پیامبر تنها گیرنده و پیام است و خود مخاطبی است که کسی برای او سخن میگوید.

تفاوت وحی با تجربه دینی:

وحی بر خلاف تصور رایج در میان برخی فرقه های مسیحیت که آن را با تجربه دینی قیاس کرده و می گویند: کتاب مقدس تفسیر اموری است که عیسی(ع) در کشف و شهود خود یافته است، از هرگونه دخالت ذهن پیامبر در بیان آن، خالی است.

(ج) ضرورت وحی و پیامبری

1- ج) صفات خداوند

خداوند حکیم است و حکمت از صفات ذاتی خداست. حکمت خداوند اقتضا

می کند که سفیرانی را برای هدایت خلق به سوی مردم گسیل دارد و نظر آنان را به هدف مطلوب راهنمایی کند.

2- ج) جاودانگی انسان

انسان در زندگی این جهانی کمتر نیازمند وحی است. اصل سعادت و کمال ابدی و زندگی جاودان انسان، نیاز بشر به وحی را آشکارتر و ملموس تر می کند.

ج) ضرورت وحی و پیامبری

برهان ضرورت نبوت با تکیه بر 4 مقدمه

هدف از آفرینش انسان، کمال راستین اوست

کمال واقعی انسان در گرو اختیار و انتخاب صحیح است

اختیار و انتخاب صحیح بدون معرفت و شناخت کافی، ممکن نیست

آگاهی های برخاسته از عقل و حس، در پاسخ به نیازهای انسان و رساندن او به سعادت واقعی کافی نیست.

مجموع مطالب آلکسیس کارل درباره شناخت انسان:

- 1- علم در شناخت انسان، تاکنون پیشرفتی نداشته است.
- 2- روشی در دست نیست که بتواند انسان را در اجزا و در مجموعه و روابطش با محیط خارج بشناسد.
- 3- انسانی را که متخصصان علوم معرفی می کنند، شبیحی ساخته و پرداخته تکنیک های همان علم است.

3-ج) حدود عقل بشری

انسان با عقل خویش می تواند بسیاری از معارف نظری نظیر مسائل مربوط به جهان بینی خویش را اثبات کند. همچنین برخی اصول اخلاقی نظیر خوبی عدل و بدی ظلم تشخیص دهد ولی با این حال عقل بشر دارای محدودیت های فراوانی است.

محدودیت های عقل:

- 1- احکام عقل، کلی و اجمالی است.
- 2- عقل در تشخیص آثار اخروی رفتارهای انسانی ناتوان است.
- 3- عقل در مرحله تشخیص و عمل آسیب پذیر است.

ج) ضرورت وحی و پیامبری

4-ج) شبهه منکران

شبهه : طرفداران این شبهه میگویند "وقتی آموزه های وحیانی و آنچه را که پیامبران به بشر عرضه کرده اند مطالعه می کنیم، از دو حال بیرون نیست یا موافق مدرکات و احکام عقلی است یا متضاد و مخالف با عقل و برهان های عقلی است."

حالت اول شبهه: اگر چنین بود یعنی این گزاره ها و تعالیم بوسیله وحی در اختیار ما قرار نمی گرفت، عقل به تنهایی آنها درک کرده و درباره آنها حکم صادر می کرد، که در اینصورت عقل ما از وجود پیامبران بی نیاز می گردد.

حالت دوم شبهه: اگر مخالف عقل و برهان های عقلی باشد که در اینصورت مردود است و قابل پذیرش نخواهد بود.

پاسخ شبهه: گزاره ها و تعالیم و حیانی بر حسب فرض به سه دسته تقسیم می شوند:

- 1- موافق عقل بشری
- 2- گزاره های خردستیز
- 3- گزاره ها و آموزه های فراحسی و فراعقلی

1 – موافق عقل بشری:

شمول وحی بر تعالیمی که عقل نیز به صورت مستقل آن را درک می کند، مستلزم لغویت نیست، زیرا تایید دانسته های عقلی از سوی وحی، سبب می شود که آدمی به صحت و شناخت و داوری عقل خود اطمینان بیشتری یابد و احتمال خطای عقل را منتفی بداند.

2- گزاره های خردستیز

گزاره هایی که نه فوق عقل، بلکه ضد عقل هستند، یعنی با اصول قاطع عقلی ناسازگارند، این دسته از گزاره ها در زمره تعالیم آسمانی نخواهند بود.

3- گزاره ها و آموزه های فراحسی و فراعقلی

(الف) عقل انسان به گونه ای احساس می کند که می تواند تبیین و توضیح عقلانی از تعالیم و حیانی از خود ارائه دهد، یا فلسفه فرامین الهی را درک کند.

(ب) عقل قادر به تحلیل و درک تعالیم و فرمان های فراعقلی نیست.